از اختلاف نظر تا فروپاشی انسجام؛ خطری که باید جدی گرفت!



یکی از ریشه‌ای‌ترین آسیب‌های جوامع انسانی، به‌ویژه در جوامع اسلامی، غلبه منیت‌ها و برتری‌طلبی‌های فردی و گروهی بر عقلانیت جمعی و منافع مشترک است. تجربه‌های تاریخی و واقعیت‌های امروز نشان می‌دهد که اختلاف و تفرقه، نه از تفاوت دیدگاه‌ها، بلکه از جایی آغاز می‌شود که افراد و جریان‌ها خود را محور حقیقت دانسته و تصمیم‌گیری را حق انحصاری خویش می‌پندارند. چنین نگاهی، بنیان بسیاری از ناکامی‌ها، بن‌بست‌ها و بحران‌های اجتماعی و سیاسی را شکل داده است.

واقعیت آن است که هیچ جامعه‌ای بدون پذیرش «هم‌سرنوشتی» و «هم‌مسئولیتی» به موفقیت دست نخواهد یافت. اگر فعالان سیاسی، فرهنگی و نخبگان اجتماعی نتوانند در میان خود به همدلی و همکاری برسند، انتظار انسجام از توده‌های مردم، انتظاری غیرواقع‌بینانه خواهد بود. وحدت اجتماعی از بالا تحمیل نمی‌شود؛ بلکه از رفتار، گفتار و منش نخبگان آغاز می‌گردد و به بدنه جامعه تسری می‌یابد.

یکی از خطاهای تکرارشونده در فضای سیاسی و اجتماعی، تقلیل اختلاف‌ها به نزاع‌های بی‌حاصل و سوءبرداشت از مفاهیم و اهداف مشترک است. هنگامی که افراد و جریان‌ها به‌جای گفت‌وگو و فهم

متقابل، در پی حذف و نفی یکدیگر برمی‌آیند، اختلافات نه‌تنها حل نمی‌شود، بلکه پیچیده‌تر و فرساینده‌تر خواهد شد. تجربه نشان داده است که نگاه برتری‌جویانه، به‌جای پیشرفت، جامعه را به سمت پسرفت سوق می‌دهد.

در این میان، اصل بنیادین «خوداصلاحی» جایگاهی کلیدی دارد. آموزه‌های دینی، به‌ویژه سیره امیرمؤمنان علی(ع)، بر این حقیقت تأکید می‌کند که اصلاح دیگران، بدون اصلاح خویشتن، نه ممکن است و نه پایدار. تربیت نفس و پذیرش مسئولیت فردی، مقدمه هر اصلاح اجتماعی و تمدنی است. جامعه‌ای که نتواند مسائل کوچک و درونی خود را سامان دهد، توان مواجهه با چالش‌های بزرگ ملی و فراملی را نخواهد داشت.

از سوی دیگر، تداوم اختلافات داخلی، همواره فرصتی طلایی برای بدخواهان و دشمنان فراهم می‌کند. تاریخ معاصر به‌روشنی نشان داده است که هیچ تهدیدی برای هویت‌های ملی، دینی و فرهنگی، خطرناک‌تر از تفرقه درونی نیست. در سایه نزاع‌های داخلی، نه‌تنها انسجام ملی تضعیف می‌شود، بلکه همه هویت‌های قومی و فرهنگی در معرض فرسایش و بی‌معنایی قرار می‌گیرند. وحدت، ضامن بقا و کرامت تنوع‌های فرهنگی است، نه تهدید آن‌ها.

تجربه دفاع همه‌جانبه مردم ایران در بزنگاه‌های تاریخی، گواه روشنی است بر اینکه هرگاه همدلی و احساس مسئولیت جمعی شکل گرفته، جامعه توان عبور از سخت‌ترین بحران‌ها را داشته است. امروز نیز، با وجود فشارها، تهدیدها و فضاسازی‌های منفی، راهی جز بازسازی انسجام درونی وجود ندارد. اتکای به عوامل بیرونی برای حل مشکلات، توهمی خطرناک است؛ چراکه هر نیرویی بیرون از این سرزمین، منافع خود را دنبال می‌کند، نه خیر و عزت ملت‌ها را.

در این مسیر، اختلاف نظر امری طبیعی و حتی ضروری است؛ اما اختلاف زمانی سازنده خواهد بود که ذیل یک هدف مشترک و نقشه راه روشن تعریف شود. بدون برنامه‌ای واحد، اختلاف‌ها تنها به واگرایی بیشتر منجر می‌شوند. آنچه می‌تواند جامعه را به پیش براند، توافق بر مقصد و پذیرش روش‌های همکارانه برای رسیدن به آن است؛ مسیری که فراتر از مرزبندی‌های جناحی، مذهبی و قومی معنا می‌یابد.

همچنین، تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و مدیریتی نیازمند عبور از منیت‌ها و تکیه بر شواهد، عقلانیت و تجربه‌های علمی است. پذیرش سخن درست، حتی اگر از سوی رقیب یا مخالف مطرح شود، نشانه بلوغ فکری و اخلاقی است. جامعه‌ای که حقیقت را فدای تعصب می‌کند، ناگزیر هزینه‌های سنگینی خواهد پرداخت.

در نهایت، وحدت واقعی از صداقت، تقوا و احساس مسئولیت متقابل شکل می‌گیرد. همان‌گونه که آموزه‌های قرآنی تأکید می‌کند، معیار برتری نه قومیت است و نه گرایش سیاسی، بلکه تقوا، مسئولیت‌پذیری و عمل صالح است. اگر این اصل در رفتار فردی و جمعی نهادینه شود، می‌توان امیدوار بود که جامعه، با تکیه بر ظرفیت‌های درونی خود، مسیر پیشرفت و عزت را با اطمینان بیشتری طی کند.

امروز بیش از هر زمان دیگر، نیازمند بازگشت به این اصل بنیادین هستیم: وحدت، نه از حذف تفاوت‌ها، بلکه از مدیریت خردمندانه آن‌ها و ترجیح منافع کلان بر منافع فردی و جناحی شکل می‌گیرد. این مسیر، اگرچه دشوار است، اما تنها راه مطمئن برای حفظ انسجام ملی و تقویت همگرایی در جهان اسلام به‌شمار می‌آید.

امید علی پور

سردبیر سایت های مجمع جهانی تقریب مذاهب